شيوه تكميل كاربرگ مسأله‌شناسي

9 ارديبهشت 1395

# كاربرگ يك - مختصّات مسأله

1. كد مس. حاوي كد مسأله خواهد بود. اين كد را پژوهشگر به صورت زيادشونده از يك آغاز نموده و به ترتيب براي هر فرم يك كد متفاوت ثبت مي‌نمايد.
2. كد پژ. هر پژوهشگر يك كد مخصوص به خود دارد كه در اين فيلد ثبت مي‌شود.
3. تركيب كد پژ. و كد مس. به ترتيب يك كد ويژه و منحصر به فرد براي هر كاربرگ ايجاد مي‌نمايند. مانند: 12- 45. در اين نمونه، پژوهشگري با كد 45 دوازدهمين كاربرگ مسأله‌شناسي خود را ثبت كرده است. اين كد موقتي مي‌باشد.
4. كد بانك اطلاعات توسط رايانه تعيين مي‌شود. وقتي داده‌هاي كاربرگ وارد بانك اطلاعات شد، كدي كه به صورت خودكار به آن ركورد اختصاص مي‌يابد، توسط اپراتور در اين فيلد ثبت مي‌گردد.
5. تاريخ ثبت اطلاعات توسط پژوهشگر و هنگام آغاز ورود اطلاعات به كاربرگ تكميل مي‌گردد.
6. تاريخ بازبيني و بررسي زماني ثبت مي‌شود كه ناظر اطلاعات در حال بررسي اوليه كاربرگ‌هاي ارائه شده از سوي پژوهشگر است.
7. اپراتور پس از ورود اطلاعات هر كاربرگ به بانك اطلاعات، ضمن ثبت كد بانك اطلاعات، تاريخ ثبت رايانه‌اي را نيز ثبت مي‌كند.
8. پژوهشگر عنواني را براي مسأله در نظر مي‌گيرد و آن را در فيلد «عنوان اوليه مسأله» درج مي‌نمايد.
9. ناظر هنگام بررسي كاربرگ، با توجه به ساير مسأله‌هايي كه توسط ساير پژوهشگران جمع‌آوري شده، يك عنوان اصلاح‌شده و نهايي براي مسأله ثبت مي‌كند.
10. محدوده جغرافيايي مشخصي كه مسأله در آن مشاهده شده و در گزارش‌ها طرح گرديده است، به ترتيب با تكميل فيلدهاي: كشور، استان، شهر و در نهايت «مكان» معيّن مي‌شود. اگر يك پديده در مقياسي وسيع مسأله باشد، مثلاً كل كشور، در خانه‌هاي استان، شهر و مكان خط كشيده مي‌شود. فيلد مكان در صورت لزوم مي‌تواند حاوي نام يك صنف خاصّ يا يك سازمان و مؤسسه مشخص باشد. مثلاً: دانشگاه تهران، يا نمايندگي‌هاي ولي فقيه در دانشگاه‌ها.
11. مبدأ زماني پيدايش مسأله مي‌تواند يك تاريخ خاصّ باشد، مثلاً: فروردين 1386، يا يك هم‌زماني با پديده‌اي ديگر، مثلاً: هم‌زمان با پايان جنگ تحميلي. پژوهشگر روشي را انتخاب مي‌نمايد كه بهتر بتواند نقطه «آغاز» مسأله را توصيف نمايد.
12. پس از ثبت مبدأ زماني مشخصي كه مسأله از آن زمان پيدا شده و گزارش گرديده است، مي‌توان شرح وضعيتي ارائه نمود از دوران پيش از بروز آن مسأله. پژوهشگر وضعيتي را توصيف مي‌نمايد كه هنوز مسأله مورد نظر يا وجود نداشته و يا در صورت وجود، نگراني ايجاد نمي‌كرده و «مسأله» نبوده است.
13. معلول بدون علّت پيدا نمي‌شود و بروز هر مسأله‌اي بي‌ترديد مبتني بر علّت‌هايي‌ست. اگر چه در مرحله نخست مسأله‌شناسي شايد نتوان عوامل قطعي آن را بازگو نمود، اما آن مواردي كه احتمالاً مي‌توانند دليل پيدايش مسأله باشند در بخش مربوط به خود ذكر مي‌گردند.
14. اگر مسأله مورد نظر آسيبي در جامعه ايجاد نمي‌كرد، مسأله نمي‌شد. پژوهشگر فهرستي از آسيب‌هايي را كه قطعاً يا احتمالاً در صورت بقاي مسأله حادث خواهند شد در بخش مربوطه از فرم ثبت مي‌كند.
15. بسامد كلّ گزارشات؛ تعداد مرتبه‌اي‌ست كه مسأله گزارش شده، فارغ از اين‌كه خبري مشابه باشد كه بارها تكرار گرديده، يا خبرهاي متعدّد وگوناگون از يك مسأله واحد. بسامد كلّ، از جمع بسامدهاي هر كاربرگ گزارش ضميمه شده به دست مي‌آيد.
16. تعداد كاربرگ گزارش ضميمه؛ اما متفاوت از بسامد كلّ گزارشات است. با توجه به اين‌كه هر گزارش يك‌بار در كاربرگ مستقل ثبت مي‌گردد و خبرهاي تكراري مشتركاً در يك كاربرگ ثبت مي‌شوند، اين عدد تعداد واقعي گزارش‌شدگي مسأله را بيان مي‌نمايد. خبر تكراري خبري‌ست كه «به نقل» از فرد يا خبرگزاري ديگري بيان شده كه مبدأ نيز سابق بر آن خبر را نشر داده.
17. ارزشداد كل گزارشات؛ يكي از چهار گزينه «الف»، «ب»، «ج» يا «د» است كه با گرفتن ميانگين از فيلدهاي ارزشداد گزارشات ضميمه به دست مي‌آيد. «د» با داشتن اهميت كمتر و «الف» با داشتن بيشترين اهميت، توصيف‌گر ارزشي‌ست كه گزارشگران مسأله هنگام توصيف آن ارائه نموده‌اند. هر فرد يا خبرگزاري هنگام پرداختن به يك مسأله، اهميت و ارزش متفاوتي با ساير مسائل به آن مي‌دهد. مانند: انتشار گزارش در صفحه نخست، اختصاص تعداد ستون‌هاي بيشتر، استفاده از تصاوير بزرگ‌تر، قلم‌هاي درشت‌تر، سوتيترهاي بيشتر و از اين قبيل مختصّات ژورناليستي. اين اهميت دادن با چهار گزينه فوق توصيف مي‌شود.
18. چهار گزينه توصيفي براي اين‌كه قابل ميانگين‌گيري باشند، با اعدادي بين 1 تا 12 كمّي مي‌شوند. جدول زير مقادير كمّي هر يك را نشان مي‌دهد. مطابق اين جدول، مي‌توان ارزشداد تمامي گزارشات را ميانگين‌گيري نموده به فيلد «ارزشداد كلّ» از كاربرگ جاري منتقل ساخت.

|  |  |
| --- | --- |
| ارزشداد كيفي الف | بين 10 تا 12 |
| ارزشداد كيفي ب | بين 7 تا 9 |
| ارزشداد كيفي ج | بين 4 تا 6 |
| ارزشداد كيفي د | بين 1 تا 3 |

1. پس از ثبت اطلاعات مسأله توسط پژوهشگر، ناظر كاربرگ را بررسي نموده و ديدگاه خود را در ذيل برگه ثبت مي‌كند. اين ديدگاه دو بخش: اجمالي و تفصيلي دارد. در بخش اجمالي با علامت زدن «تأييد» يا «ردّ» خلاصه نظر خود را بيان مي‌نمايد و در بخش تفصيلي، در قالب حداكثر دو خط توضيح، تفسيري از نظر خود را ارائه مي‌كند.
2. كاربرگ‌هايي كه «تأييد» ناظر را دريافت نمايند، براي ثبت رايانه‌اي و درج در بانك اطلاعات تحويل اپراتور مي‌شوند.
3. كاربرگ‌هايي كه از سوي ناظر «ردّ» مي‌گردند، براي بررسي دوباره به پژوهشگر بازگردانده شده، در صورت موافقت پژوهشگر از گردش كار خارج مي‌گردند.
4. در صورتي‌كه پژوهشگر بر مسأله‌شناسي خود اصرار داشته باشد، مسأله به مدير اجرايي پروژه ارجاع خواهد شد. اين قبيل مسأله‌ها با حضور پژوهشگر، ناظر و مدير پروژه و همچنين كارشناساني كه مدير حضورشان را مفيد بداند، مورد بررسي نهايي قرار خواهند گرفت.

# كاربرگ دو - گزارش مسأله

1. شيوه دستيابي ما به هر مسأله از طريق «گزارش» است. اين‌كه فرد يا گروهي مشكلي را در جامعه گزارش نمايند، در منطقه‌اي خاصّ و در زماني خاصّ. هر گزارش در يك كاربرگ مستقل ثبت مي‌شود.
2. هنگامي كه يك نهاد حاكميتي مسأله‌اي را طرح مي‌نمايد، آن نيز گزارش محسوب مي‌گردد. بنابراين، دغدغه‌هايي كه از سوي مقام معظم رهبري بيان مي‌گردند نيز مي‌توانند هر كدام به عنوان گزارشي از يك يا چند مسأله مورد بررسي قرار بگيرند.
3. هر گزارش به صورت مستقل به رايانه وارد مي‌شود و در بانك اطلاعاتي مستقلي نگهداري مي‌شود و از طريق كد دو بخشي مسأله (كد مس. - كد پژ.) به مسأله مزبور متصل مي‌گردد.
4. مستقل بودن گزارش از مسأله اين امكان را پديد مي‌آورد كه در آينده با دسترسي به گزارش‌هاي بيشتر، بدون نياز به ثبت دوباره مسأله، بسامدها تغيير نموده و اولويت مسائل به روز گردند.
5. پژوهشگر زماني كه در حال تكميل كاربرگ گزارش است، تاريخ روز را در فيلد «تاريخ ثبت گزارش» وارد مي‌كند.
6. وي كدهايي را به گزارشات خود منتسب مي‌نمايد كه از يك آغاز شده و به ترتيب افزايش مي‌يابند. بدين‌ترتيب هر گزارش نيز از طريق كد تركيبي (كد گز. - كد پژ.) قابل ارجاع خواهد بود، تا زماني كه ثبت رايانه‌اي شود و كد بانك اطلاعات در آن درج گردد.
7. تاريخ نشر گزارش؛ زماني‌ست كه مطلب مزبور توسط ناشر آن منتشر شده است.
8. عنوان گزارش؛ دقيقاً همان عنواني خواهد بود كه خود گزارشگر ثبت نموده.
9. در مواردي كه گزارش از سخنراني يا محتوايي استخراج شده كه عنوان مشخصي ندارد، پژوهشگر عنواني را به گزارش اختصاص خواهد داد كه توصيفگر همان محتوا باشد، مانند: بيانات رهبري در تبريك سال 1395.
10. در صورتي‌كه گزارش از اينترنت به دست آمده باشد، نشاني آن در فيلد مخصوصي ثبت مي‌گردد.
11. كشور، استان و شهر توصيفگر مكاني هستند كه «ناشر» در آن مكان گزارش را منتشر ساخته است. مثلاً در صورتي‌كه سخنراني مقام معظم رهبري در مشهد صورت پذيرفته باشد، آن نشاني ثبت خواهد شد.
12. اگر گزارش درباره مبدأ زماني پدايش مسأله، وضعيت پيش از آن، عوامل رخداد مسأله و دامنه‌هاي آسيب ديدگاه‌هايي را طرح كرده باشد، در بخش مربوط به خود يادداشت مي‌شوند.
13. راه‌حل‌هايي كه در متن گزارش براي رفع مسأله ذكر شده باشند نيز در بخشي مستقل ثبت مي‌گردند.
14. احياناً اگر گزارش نسبت به بيان ابعاد موضوعي مسأله اقدام نموده باشد، مثلاً گفته باشد: «مسأله فوق علاوه بر اين‌كه بيشتر جنبه اقتصادي دارد و به ميزان نرخ بهره بانكي وابسته است، در بُعد فرهنگي، رواج مصرف‌گرايي در خانواده‌ها نيز به آن دامن مي‌زند». در اين مورد، موضوعات «اقتصاد>بانك>نرخ بهره» و «فرهنگ>مصرف‌گرايي>خانواده» را در بخش مربوط به موضوعات مي‌نويسم. اين كار به ما كمك مي‌نمايد تا در مراحل بعدي مسأله‌شناسي نسبت به تجميع ابعاد موضوعي بهتر عمل نماييم.
15. گزارش‌ها معمولاً توسط رسانه‌هاي متعدد تكرار مي‌شوند؛ بارها در قالب گزارش، خبر، مصاحبه و شيوه‌هاي ديگر نشر. بررسي فراواني اين گزارش‌ها مي‌تواند دانش ما را در ميزان اهميت «مسأله» از نگاه رسانه‌ها بالا ببرد. اين دانش دو بعد كمّي و كيفي دارد.
16. در بخش «منابع تكراركننده گزارش» اسامي ناشراني مي‌آيد كه گزارش مورد نظر را بازنشر داده‌اند.
17. بسامد؛ گزارش كمّي فراواني تكرار مسأله است. اگر مطلب بازنشر نشده، اين عدد يك خواهد بود. ولي در صورت بازنشر، به تعداد نشر دوباره، بر اين عدد افزوده خواهد شد.
18. ارزشداد؛ بيانگر ارزشي‌ست كه ناشر به مسأله داده است. اگر نشر در قالب يك سخنراني باشد،‌ طنين صدا، واژگان به كار رفته، اهميت مكان و زمان بيان مطلب، مي‌توانند جزئي از قرائني باشند كه ميزان اهميت مسأله نزد گوينده را بازگو مي‌كنند.
19. در يك نشريه مكتوب يا اينترنتي، محل قرارگيري گزارش، ميزان فضاي اختصاص يافته به آن، تعداد و اندازه تصاوير به كار رفته، تيترها و سوتيترها، همه و همه، مضاف به موارد ديگري كه به سادگي قابل توصيف نيستند، مي‌توانند دخيل در ارزشداد مسأله از نگاه ناشر باشند.
20. اهميت خود «ناشر» نيز در ارزشداد مسأله مدخليّت دارد. پژوهشگر بايد تشخيص دهد كه شأن نخبگي نويسنده يا گوينده تا چه ميزان در اولويت دادن به مسأله مؤثر است و آن را در تعيين ارزشداد مسأله دخالت دهد.
21. روشن است كه ارزشداد يك امر كيفي‌ست و نمي‌توان به سادگي براي آن خطوط مشخص و معيّن قرار داد. از اين رو، تا حدّ زيادي به درك و فهم پژوهشگر بازگشت مي‌كند.
22. با توجه به اين‌كه در كاربرگ يك بايستي ميانگين ارزشداد مسأله ذكر شود، نيازمند اعدادي هستيم كه در امر محاسبه ميانگين به ما ياري رسانند. در مواردي كه بيش از يك گزارش براي مسأله وجود داشته باشد، اعدادي كه متناظر با هر كدام از وضعيت‌هاي كيفي چهارگانه در كاربرگ ثبت شده‌اند، به ما در محاسبه كمك خواهند نمود.
23. پيش از ثبت كاربرگ گزارش در بانك اطلاعات، ناظر آن را بررسي مي‌نمايد. اگر نواقصي در ثبت گزارش موجود باشد، با «ردّ» كردن و ذكر دليل، آن را به پژوهشگر باز مي‌گرداند.
24. پژوهشگر هنگامي كه كاربرگ «يك» مختصات مسأله را تكميل مي‌نمايد، حداقل يك كاربرگ «دو» گزارش مسأله ضميمه آن خواهد نمود. اين تعداد، حداكثري ندارد و به تعداد گزارشات موجود در رسانه‌ها بازگشت مي‌نمايد.

# كاربرگ سه - كارتكس مسائل

1. براي تسهيل دسترسي سريع به مسائل، كارتكس مسائل مشتمل بر عناوين مسائل و پاره‌اي داده‌هاي اصلي هر مسأله است.
2. كد مسأله؛ تركيبي از كد پژوهشگر و كد مسأله است كه هنگام ورود اطلاعات كاربرگ هر مسأله در آن درج مي‌گردد. اين كد به صورت: «كد مسأله - كد پژوهشگر» ثبت مي‌شود.
3. پس از ذكر عنوان مسأله، بسامد و ارزشداد نهايي هر مسأله كه در كاربرگ مختصات (يك) آن درج شده است، در كارتكس ثبت مي‌گردد.
4. زماني كه كاربرگ مسأله تكميل شده در «تاريخ ثبت» و زماني كه كاربرگ تحليل آن مسأله تكميل شده است، در «تاريخ تحليل» ثبت مي‌گردد. زمان بايگاني شدن كاربرگ مختصات مسأله (يك)، تاريخ بايگاني شدن در ستون «تاريخ بايگاني» درج مي‌شود.
5. با توجه به اين‌كه كارتكس‌ها پشت سر هم تكميل مي‌گردند، جهت حفظ ترتيب صفحات، شماره صفحه كارتكس از يك آغاز شده و هر برگه، شماره مختص به خود خواهد داشت.

# كاربرگ چهار - تحليل مسأله

1. كد مسأله و كد پژوهشگر عيناً از كاربرگ مختصّات مسأله منتقل مي‌گردد.
2. تاريخ ثبت تحليل توسط پژوهشگر و هنگام ثبت تحليل درج مي‌گردد.
3. تاريخ بازبيني و بررسي مربوط به نظارت بوده و توسط ناظر ثبت مي‌شود.
4. پس از ثبت در بانك اطلاعات رايانه‌اي نيز، كد ارائه شده توسط نرم‌افزار در بخش مربوطه از كاربرگ درج مي‌شود.
5. عنوان مسأله و دو بخش بعدي؛ عوامل پيدايش و آسيب‌هاي تداوم، از كاربرگ مختصّات مسأله نقل مي‌گردد و در اين كاربرگ، در صورت تشخيص پژوهشگر، مواردي به آن‌ها اضافه مي‌گردد.
6. همه اين اطلاعات تكراري براي اين است كه فضا را براي مشاهده دو نوع از ارتباط مهيا نمايد؛ ارتباط مسأله با ساير مسائل و ارتباط آن با موضوعات.
7. با توجه به اين‌كه پديده‌ها در ارتباط با هم روي داده و نسبت سبب و مسبّبي دارند، هر مسأله در زنجيره‌اي از مسائلي قرار مي‌گيرد كه قبل و بعد از آن واقع شده‌اند (اصل دومينو). مسائلي وجود دارند كه بدون واسطه سبب پيدايش مسأله حاضر مي‌گردند و طبيعتاً مسائلي نيز وجود دارند كه اين مسأله مستقيماً سبب حادث شدن آن‌هاست. مانند: مسأله بدحجابي>مسأله مزاحمت‌هاي خياباني>مسأله ناامني اجتماعي
8. عنوان گروه اول از مسائل، آن‌هايي كه مستقيماً سبب پيدايش مسأله مورد نظر ما هستند، در بخش «فهرست مسائل منجر به بروز» نوشته مي‌شود.
9. گروه دوم از مسائل، مواردي كه مسأله ما سبب رويدادن آن‌هاست، در بخش بعدي ثبت مي‌گردند.
10. طبيعتاً پاره‌اي از اين مسائل قبلاً در كاربرگ‌هاي ديگر مسأله‌شناسي، شناسايي و ثبت شده‌اند. در صورتي كه مسائل جديدي در اين دو بخش يافت شوند، براي بررسي اوليه آن‌ها اقدام خواهد شد. اگر تحقيقات ميداني، گزارش‌هاي مكفي براي آن‌ها نتيجه دهد، آن‌ها نيز در بانك مسأله‌شناسي ثبت خواهند گرديد.
11. موضوعات مرتبط با مسأله، دامنه گسترده‌تري دارند. پاره‌اي موضوعات در تشديد مسأله نقش دارند و پاره‌اي مي‌توانند از شدّت مسأله بكاهند. فراموش نكنيم كه منظور ما از مسأله، نوعي «بحران اجتماعي»‌ست. مثلاً نسبت به مسأله «بدحجابي»، موضوعاتي مانند: ماهواره و شبكه‌هاي اجتماعي نقش تشديدكننده دارند، زيرا تجربه نشان داده نسبت مستقيمي ميان استفاده از ماهواره و شبكه‌هاي اجتماعي با ميل به بدحجابي وجود دارد. موضوعاتي مانند: نماز جماعت در مساجد و عضويت در گروه‌هاي مذهبي نيز نقش كاهنده در مسأله بدحجابي دارند.
12. در سوي مقابل، هر مسأله نيز بر موضوعات پيرامون خود اثر مي‌گذارد. مي‌تواند بعضي موضوعات را حسّاس نمايد، به نحوي كه بيشتر مورد توجه قرار گيرند. مانند: كنسرت‌هاي موسيقي كه مسأله بدحجابي سبب توجه بيشتر به آن مي‌شود. مسأله مي‌تواند حسّاسيت بعضي موضوعات را نيز كم نمايد. مانند: غيرت، كه تداوم مسأله بدحجابي سبب كاهش اهميت اين موضوع مي‌گردد.
13. هر دسته از موضوعات چهارگانه، در بخش مربوط به خود نوشته مي‌شوند.
14. در نهايت، تعداد هر دسته از مسائل و موضوعات مرتبط در بخش مربوط به خود نوشته شده، تعداد كل آن‌ها نيز محاسبه و ثبت مي‌گردد. اين اعداد به تحليلگر كمك مي‌نمايد تا در يك نماي كلّي، حجم ارتباطات يك مسأله را حدس بزند.
15. دو نوع ارتباط مي‌توانند بر اهميت يك مسأله بيافزايند؛ نخست تعداد مسائل و موضوعات مرتبط. هر چه تعداد مسائل و موضوعات مرتبط با يك مسأله بيشتر باشد، حاكي از نقش پررنگ‌تر آن مسأله در جامعه است. ديگري ارزشداد مسائل مرتبط است. هر چه مسائل مرتبط با يك مسأله داراي ارزش بيشتري باشند، مي‌تواند بر اهميت مسأله مورد نظر بيافزايد.
16. در نهايت، نظر ناظر ذيل كاربرگ درج شده، در صورت «ردّ» براي اصلاح به تحليلگر باز گردانده مي‌شود.